

گر حکم شود که مست گیرند در شهر هر آنچه هست گیرند



پیوسته به گذشته قسمت نود و هشتم :

چرا نگرید چشم و چرا ننالد تن ! (۱) آنگاه که جنازه های جوانان معصوم میهن بخون آغشته افغانستان را گرگان گرسنه و تشنه گان خون و ثروت که دشمنان عدل و انسانیت اند بردروازه های شهر آویزان ساختند ! تا شهادت دهند که اهریمن سفاک چگونه خون جوانانی را در اوج جوانی و نشاط بر سجاده زمین ریختاند . باید شهادت دهند که چگونه و به کدامین گناه جمجمه های سرشان را از تن جدا کردند . ؟

<https://www.youtube.com/watch?v=NKEIb6scJd8>

هنوز آفتاب خون این جنایت هولناک که بر خیابان های شهر جاری ساخته نه خشکانیده بود که عوامل وحشتناک با چهره های نا مرئی از همه سو به یاری این فلاخن های بلند پرواز به حرکت آمدند تا این جنایت را به آیه های از قرآن پاک مشروعیت بخشند . مشروعیت دهند تا کرامت خدا داد انسان این موجود خداگونه در تاریخ را از نظر هر نوع اصالت های انسانی خلع سلاح کند . اما چه کسی نه میداند آنچه که با دیدن این گونه جنایات پیوسته تهدید میشود و آنچه روبه زوال است و آنچه اگر برود همه کرامت انسان را در اعماق نیستی فرو خواهد برد اصل زرین حرمت به انسان به مثابه جانشین پروردگار در زمین است . در چنین شرائطی و در چنین موقعیتی در برج عاج نشستن آیا خیانت نیست ؟ به همین دلیل باید هرگونه جنایت بویژه جنایت خونین و درد ناک آخری علیه انسان این " خلیفه خدا در زمین " را با شدت محکوم کرد و هیچگاه نباید چراغ های هوش مانرا با گناه کار خواندن و یاهم بی گناه دانستن این کبوتران در خون خفته بسویی متوجه سازد که خواست اصلی طراحان این جنایت است ، تبعیث از این معادله غرض آلود بدین معنا خواهد بود که گویا کشتن گناه کاران برای متولیان خود ساخته دین مجاز پنداشته میشود هر چند این شهیدان تاریخ به ناحق کشته شده باشند ؛! زیرا از نظر این حقیر که از راهیان کوچک قافله ء روشنفکری بویژه با هویت دینی آن هستم ، جهت و نتیجه هر دو نگاه یعنی " **گناه کاری و بی گناهی** " هم مانند است و با اصل فلسفه توحیدی تاریخ و شناخت انسان به عنوان مخلوق خردمند و جانشین خداوند در زمین اندکترین انطباقی ندارد ، از اینکه چگونه آفرینش و مسؤلیت تاریخی انسان در زمین مضمون اصلی این پژوهش جامعه شناختی را تشکیل می دارد ، این قلم قبلاً در **بخش نود و یکم** این سلسله زیر عنوان " مانیفیست زندگی تاریخی بشر در کائینات " مورد بحث قرار گرفته و مقدمه آن در **بخش نودم** زیر عنوان فلسفی " **جایگاه انسان در ادیان** " به بررسی

کوتاهی گرفته ام و از دیالوگ ملائکان با حضرت آدم که انسان تکامل یافته و حامل بار خلافت الهی در زمین میباشد بصورت خلص به این نتیجه رسیده ام که در کانون خلافت الهی که یک مکانیزم علمی و عقلانی است هیچ گونه کشتار و فساد که مانع و سد تکامل جامعه و تاریخ کائنات و هستی می باشند نه تنها مطرح نیست بلکه قبل از ارائه و عرضه هرگونه نقشه راه به برگزیده گان بشریت یعنی همان انبیاء و پیامبران الهی ، فساد و کشتاریک عمل ضد عقلانی ، مغائر با فطرت الهی و کانون خلافت انسان در زمین شناخته شده است ، اما در عین حال باید گفت که داستان های دلخراش و دردناکی از وقایع و حوادث در تاریخ بشر مضمون اکثر کتب الهی مانند ، زبور – تورات ، انجیل همچنان قرآن پاک را تشکیل میدهند نباید به منزله ای دستور قابل عمل برای پیروان اش بر آن حساب باز کرد . شگفت انگیز است که ماشین کشتار انسانها ی بی گناه و یاهم از نظر برخی افراد گناهکار در تاریخ بشر همیشه با مشروعیت و فتوای مسخ شده مذهبی به حرکت در آمده است و با چنین شیوه خونین و درد ناک کشتار بینوایان و مظلومان تا اکنون در بسیاری از نقاط عالم ادامه دارد . چنانچه یکی از گرداننده گان شبکه تلویزیونی که از ایالات متحده پخش و نشر میگردد آنگاه که دلش از دست زمامداران فاسد حاکم بر سرنوشت کشور به جوش می آید در عالم بی هوشی نسخه به اصطلاح مجرب و راه حل موخسونت با استفاده از الگوی خون آلود فقه تاریخی با شیوه حاکمیت عربستان سعودی را اینگونه بیان میدارد :

<https://www.youtube.com/watch?v=4qQU9iY9yRo>

در نسخه ای که یکی از فعالان فرهنگی کشور از منبر شبکه تلویزیونی اش بحیث نسخه مجرب مدیریت یک جامعه بیان داشت و شما عزیزان نیز با استفاده از امکانات قرن بیست و یکم احتمالاً استماع فرمودید حاوی مدلی میباشد که حاکمیت از خداوند آغاز و سپس به سلطان و بعد به مردم و قانون ختم می شود . در این مدل سلطان به مثابه ظل الله طبعاً با لاتر از قانون است و در این بینش اراده ء سلطان بصورت مستقیم به اراده الهی متصل است و هرآنچه که اجرا مینمائید آن را مستقیماً از جانب خداوند می پندارد و بر مردم و تک تکی از شهروندان می طلبد تا چنین حاکمیت را از آن خدا بدانند و بر آن عمل کنند !!

نباید تعجب کرد که چرا و چگونه همین گفتمان وقرئتی از دین که خسونت و تروریزم را تیوریزه میسازد از صد ها سال بدینسو و از همان لحظه ای که نگاه به مدیریت سیاسی در جوامع بشریه جلادان شبه دموکرات و کانگسترهای مذهبی واگذار شده بر بخش بزرگی از جهان بویژه کشورهای شرقی و اسلامی و فرد فردی از کتله های از مسلمانان سایه انداخته است این قرئت خسونت زائی اقتدارگرا در مغائرت با روح اصلی قرئت توحیدی و گفتمان قانون گرا قرار دارد . در گفتمان خسونت پرور **دین** نسخه جامد و مطلق است ، از نگاه و نظر این گفتمان انسان و جامعه دینی ، انسان و جامعه ای است که اسلام با قرئت متحجرانه ای محصول **« رجال »** گذشته و انسان عقل ماضی است ، شاید عریان ترین قرئتی که با روشنی و صراحت کامل ، خسونت و کشتار همچنان مسأله برده داری در دین مقدس اسلام را با مسخ آیه های از قرآن پاک نسبت به این موضع صریح از زبان یک آخذ بدنامی که در پیشگاه ده ها تن از مستمعین توجیه مذهبی میکند وجود نداشته باشد این بوده که وی با صراحت کشتار و برده داری را یک امر رائج در حوزه دین اسلام می دانند .

<https://www.youtube.com/watch?v=J3nntZSP56s>

لهذا چرا نگرید چشم و چرا ننالد تن ! برخلاف این آخذ بچه های که شیفته خون انسان اند و عقل شان در چشم شان است معتقد شده و گویا کشف عمیق و خونینی کرده اند که هرگاه با کفار !! ملاقات ات حاصل شد بزیند به پشت اش !! چه در کار است ؟ بزیند در گردن گردن شان ، حتی تا که بکشید و کثرت خونریزی بکنیدبرخی از درسخوانده ها و مراجع بزرگ دینی چنان تشنه خون ریزی و جنایت اند که گوئی در مسابقه و جنگ دو(خدا) که خدای خیر و خدای شر است خدای خیر برای استحکام حاکمیت عدل کاذب و خیرفریبنده !! در زمین گردنهای سربازان خدای شر را می بُرند و خون جنگجویان لشکریان شر را به عزم استحکام حاکمیت خدای خیر در زمین میریزانند . !! البته یکی از خانم های بی باک و شهرت طلب که از بد روزگار بحیث وکیل مردم ولایت غزنی نیز منصوب شده است ، فقط روح اصلی قرئت خشونت زای طالبانی را با هذیان های مجعول و مجهول

<https://www.youtube.com/watch?v=4fDwLiiEA58>

تفسیر و تعبیر نموده است . البته تفاوت گفتار و اظهارات خانم سلطانی نمائنده منصوب شده برای مردم غزنی با دیگر سرداران شرک و خرافات در این بوده که وی بدون ملاحظه و تعارف روح مسخ شده قرئت متحجرانه از اسلام را بر زبان آورده است . تفاوت میان آنچه که متصدی یک شبکه تلویزیونی به زبان آورده با اظهارات خانم هما سلطانی در این است که خانم سلطانی انتحاریون را استشهادی و شهدای راه خدا خوانده و کسانی که در نتیجه عمل انتحاریی این جنگجویان کشته شده و جان داده اند با ادبیات نهایت ضعیف به سطح کوچه و بازار (والد زناهی امریکائی ها...!) مسمی نموده اند . در غیر آن نه تنها ماهیت این دو گفتار باهم مغایرت ندارند بلکه این گفتمان حتی با سائر قرئت ها که روح مذهب اثنی عشره شیعی را تشکیل میدهند نیز از انطباق بهره مند است . هر چند میدانم که شما خواننده گان ارجمند یادداشت های این قلم آنچه را که من به حیث یک رسالت علمی و تاریخی مینویسم با اندوخته های عالمانه و پژوهشگرانه ای که دارید آنرا با دقت مطالعه می فرمائید بویژه در مباحث مربوط با سرنوشت انسان به حیث خلیفه خداوند یکبار دیگر توجه شما بزرگواران و سروران را به نودهم این سلسله با مختصر تغییرات لازم تقدیم میدارم

https://www.youtube.com/watch?v=5HX_AzTCFa0

وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلٰئِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا
أَتَجْعَلُ فِيهَا مَن يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَآءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ
بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿٣٠﴾

واضح است که وقتی از تاریخ انسان صحبت شود نباید مقصود از اصطلاح رائج تاریخ ، تاریخ پیدائش تمدن و خط نیست ، بلکه مقصودم آغاز زندگی اجتماعی نوع کنونی انسان بر روی زمین است. این گونه نگاه علمی و توحیدی به تاریخ بر حقیقت مهم فلسفی صحه میگذارد که تمامی انبیای الهی و

بزرگان معصوم دین در بستر ماهیت اصلی این دیالوگ الهی با ملائکان به عنوان رسالت‌مندان بزرگ در تاریخ بشر ظهور نموده اند و بدون شک در پرتو چنین بینش و این جهان بینی علمی و فلسفی تمامی انبیای بزرگ الهی که حامل کتب آسمانی بودند باتوجه به کراهیت قتل و فساد که طی یک دیالوگ میان پروردگار و ملائکان منجمله ابلیس در آغاز زندگی مدنی بشر مورد بحث قرار گرفته است از هر نوع خشونت و فساد مبرأ بودند ، البته نه باید فراموش کرد که وقتی جنایات شنیعی چون سنگسار و یاهم کشتار انسان ها از سوی مسلمان نماها با مشروعیت فتاوی مذهبی صورت میگیرند منبر داران ریاً کار این عمل ضد توحیدی را با شیوه مضحک و در جامه به ظاهر محکومیت و به فورمول **" هم بر میخ و هم بر نعل !!"** زدن این گونه جنایات را توجیه می سازند . روی سخنم به تمامی منبرداران و اجاره داران مذهبی است که در شبکه های تلویزیونی و دیگر وسائل ارتباط جمعی جنایت آخیر علیه کارمندان بی بضاعت تلویزیون طلوع را به همین شیوه ریاً کارانه مورد بحث و کنکاش قرار می دادند ! البته باید گفت که عده ای از طراحان شبه مذهبی این سناریوی خونین را گویا اعمالی می دانستند که کارمندان طلوع نیوز به دستور امریکا و غرب بحیث پیشقراولان هجوم فرهنگی غرب برنامه های ضد اخلاقی مانند ستاره افغان و غیره را از طریق شبکه های تلویزیونی مانند تلویزیون طلوع و شبکه تلویزیونی موسوم به یک ترتیب می دادند . !!! تا بیننده ای که تمامی مراکز عقلانیت و آنتن های ذهنی شان در رقابت میان هجوم فرهنگی جهان سرمایه داری و غرب و همچنان هجوم خرافات دنیای شبه مذهبی به تدریج از میان رفته اند تخطی از ارزشها و انجام اعمال ضد ارزشهای دینی مبهم ترین و مؤثرترین وسیله و تاکتیکی است که در جوامع عقب مانده و فقیری مانند افغانستان از اهمیت بسزای برخوردار است بد نیست نمونه ای از اینگونه تقبیح را از زبان یکی از گرداننده گان برنامه مذهبی بشنویم که وی چگونه از اعماق قلب از شهادت جوانان رشید شبکه تلویزیونی موسوم به طلوع ابراز شادمانی میکند ، !! وی می فرماید که : اگر آنها براستی هم نان آوران خانواده بودند باید تلویزیون طلوع مسؤلیت آنها را بر عهده بگیرد .!! کار های که می کردند ... هر چند مه خودم چندان تلویزیون های افغانی را نه می بینم و اگر می بینم هم بسیار کم !

<https://www.youtube.com/watch?v=OsyOKSIA2XA>

متأسفانه برنامه داکتر صاحب نیازی را هم از تلویزیونی که پخش می شد اکنون او برنامه هم قطع شده حال همان تلویزیون را هم نه میبینموحتی نه می فهمیدم که ستاره افغان از کدام چینل است فکر میکردم که از تلویزیون بیات است اما وقتی که در فیس بک ها می بینم که داو و دشنامی که به تلویزیون طلوع داده میشود ..اما در این روزها وقتی که به تلویزیون طلوع اخطار داده شده بود مخصوصاً برای کسانی که در آنجا کار میکردند .

ببینید عزیزان ! خانم سیمین چگونه حتی قتل بی گناهایی را که جرم اش فقط کاردریک شبکه تلویزیونی است که مورد پسند خانم سیمین وکانگسترهای مذهبی اش نیست آن را مستحق قتل می دانند .!! اما شاید خانم سیمین و اذناش نه میداند که داستان این جنایت قبلاً و از جنگ در ولایت قندز آغازیده شده بود از ولایتی که زنگیان مست به همکاری ستون پنجم در اداره مافیائی کابل که همانا حامیان شبه مذهبی و شبه دموکراتی اند که به اثر همکاری فریبکارانه شان مظلوم ترین و در عین حال نا آگاه از سرنوشت آینده شان به وعده و وعید های کاذبی از حور و غلمان توسط شبکه های استخباراتی استخدام و در جنگ قندزبه قتل رسیدند . اما ببینیم که طلوع نیوز به جرم کدام خبر طلوع نیز اینگونه مورد

غضب گروه طالبان واقع شده بودند که کارمندان مظلوم شان باید اینگونه به خاک و خون کشانیده می شدند ؟

<https://www.youtube.com/watch?v=KV2VawvNglc>

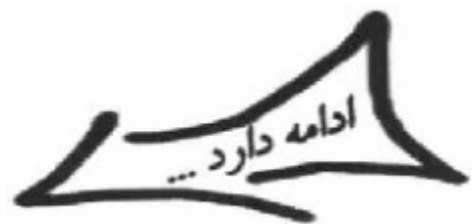
این خبری بوده که شبکه تلویزیونی طلوع به نقل از منابع امنیتی از میدان نبرد به جهان مخابره کرده بود. اما سوال اینجاست که بدون **تلویزیون طلوع** و **شبکه موسوم به یک** شبکه ها و نهاد های دیگری نیز با شنیدن خبر سقوط کندز واکنش های نشان داده بود یا خیر ؟ این گزارش را از در روزهای داغ سقوط کندز شبکه تلویزیونی موسوم به فردا نیوز به نقل از سازمان جهانی عفو بین الملل برویت اسناد و مدارک غیر قابل انکار چنین گزارش داده بودند

<https://www.youtube.com/watch?v=ghHzuuKFGL8>

لازم به تذکر است که اگر نهاد های نشراتی همچون شبکه تلویزیونی طلوع با قبول از هر نوع خطرات از میدان نبرد بصورت خبری گزارش داده باشند هرچند این روایات از نظر گروهی که خود را وارثان اصلی کشور افغانستان می شمارند از لحاظ منابع و موآخذ بر مستندات و روایات ضعیف و موضوعی استوار اند چه کسی و چی مقام و دادگاهی برای کسانی که از نشانی جنگجویان طالبان شمشیر های برهنه را بروی انسان ها ی مظلومی بکشند و با چنین درد و بی رحمی بکشند . بحثم را با این مرثیه اخوان ثالث به پایان می برم .

امروز ، ما شکسته ، ما خسته ، ای شما به جای ما پیروز ، این شکست و پیروزی بکامتان خوش باد . هرچه می خندید ؛ هرچه میزینید ، می بندید ، هرچه می برید ، می بازید ، خوش بکامتان اما ، نعش این عزیز ما را هم به خاک بسپارید .

یار زنده صحبت باقی



۱ : مصرعی از بیت مسعود سعد قصیده شماره ۲۳ - شبی سیاهتر از روی و رای اهریمن

چرا نگرید چشم و چرا ننالد تن؟ کزین برفت نشاط و از آن برفت وسن